بررسی سندی روایت «اهل بطن نخله»

«قوله(علیه السلام): «... هذا الیوم لیلة المامیة إنّ أهل بطن نخلة حیث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»»؛ در این چند دقیقه‌ای که وقت هست کلیاتی در مورد این روایت بگویم. این روایت از نظر محتوا خیلی پرفایده است. اما از نظر سند، مرحوم سید بحر العلوم در پایان آن «مصباح» به این صورت فرمودند: «الثالث: روی الکلینی (طاب ثراه) فی کتاب الروضة، بسند ضعیف[1]». مرحوم مجلسی در مرآة العقول فرموده‌اند «موثق[2]». همچنین این روایت در غیر از کافی شریف نیست. در کتاب روضه کافی هم هست. در نرم‌افزار هم مثل مرحوم مجلسی فرموده‌اند «موثق». در تفسیر آلاء الرحمان مرحوم آقای بالغی دارند: «فی الصحیح[3]». نمی‌دانم سهو القلم شده ای نه؟! ذیل همین حدیث اینها را در **فدکیه** گذاشتم. خود سند در کافی جالب است. در این جزوه‌ای که شما دارید در پاورقی فرموده‌اند: «ابان عن عمر بن یزید». خب قسمت اول این سند افتاده است. در کافی شریف باید به نه روایت قبل از آن برگردید تا ببینید «ابان» به کجا می‌خورد. در صفحه ۳۳۲ همین روایت را نقل می‌کنند:

> **517- أَبَانٌ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْمُغِيرِيَّةَ يَزْعُمُونَ أَنَّ هَذَا الْيَوْمَ لَوِ الْيَوْمَ اللَّيْلَةَ الْمُسْتَقْبَلَةَ فَقَالَ كَذَبُوا هَذَا الْيَوْمُ لِلَّيْلَةِ الْمَاضِيَةِ إِنَّ أَهْلَ بَطْنِ نَخْلَةَ حَيْثُ رَأَوُا الْهِلَالَ قَالُوا قَدْ دَخَلَ الشَّهْرُ الْحَرَامُ[4]**

عدم تأیید قیام ابومسلم توسط امام صادق ع

برگردید به روایت ۵۰۹؛ تا اینجا همه از ابان است.

> **509- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّوْقَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّرِيفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبَانٍ عَنْ صَبَّاحٍ بْنِ سَيَابَةَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: ذَهَبْتُ بِكِتَابِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ وَ سَدِيرٍ وَ كُتُبِ غَيْرِهِمْ وَاحِدٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حِينَ ظَهَرَتِ الْمُسَوِّدَةُ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ وَ لُدْتُ الْعَبَّاسِ بِأَنَّا قَدْ قَدَّرْنَا أَنْ يَئُولَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَمَا تَرَى قَالَ فَضَرَبَ بِالْكُتُبِ الْأَرْضَ ثُمَّ قَالَ أُفٍّ أُفٍّ مَا أَنَا لِهَؤُلَاءِ بِإِمَامٍ أَمَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ إِنَّمَا يَقْتُلُ السُّفْيَانِيَّ[5]**

«حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ»؛ من بیشتر «حَمید» در ذهنم مانوس است. **«عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّوْقَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ»**؛ «ساباری» هم به نوعی از خرما گفته می‌شود و هم به پارچه‌هایی است که بسیار لطیف و ظریف هستند. **«عَنْ أَبَانٍ»**؛ در این سند ابان آمده است. **«عَنْ صَبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ»**؛ این روایت اولی است که ابان در سند آن قرار گرفته است. روایت جالبی هم هست. از آن روایاتی است که تقریباً با یک کلمه امام علیه‌السلام کلید نظامی که در اعتقادات شیعه هست آمده است.

معلی بن خنیس می‌گوید: **«ذَهَبْتُ بِكِتَابِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ وَ سَدِيرٍ وَ كُتُبِ غَيْرِ وَاحِدٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع»**؛ خیلی عجیب است. یعنی عده‌ی زیادی از کوفه به امام صادق علیه‌السلام نامه نوشتند، **«حِينَ ظَهَرَتِ الْمُسَوِّدَةُ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ وَلْدُ الْعَبَّاسِ»**؛ ابومسلم خراسانی قیام کرده بود ولی هنوز بنی العباس روی کار نیامده بودند. ابومسلم می‌گفت: «خرجت لرضا». کلی حرف زد. حتی دارد که به محضر امام هم آمد. حضرت فرمودند: «لست من...».

در این روایت هم آمده که از ناحیه خود اصحاب امام صادق نامه‌های متعددی به معلی دادند –چون خادم حضرت بود- و به محضر حضرت برد.

«بِأَنَّا قَدْ قَدَّرْنَا أَنْ يَئُولَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْكَ»؛ ما خوشحال هستیم چون دیگر مظالم سر آمده و بنی امیه و بنی مروان رفتند و حال **«ان یئول الامر الیک فَمَا تَرَى»**؛ ابومسلم امر را به شما می‌دهد. معلی می‌گوید: این نامه ها را به حضرت دادم، **«قَالَ»**؛ معلی می‌گوید:**«فَضَرَبَ بِالْكُتُبِ الْأَرْضَ»**؛ حضرت که اینها را از دست من گرفتند و نگاه کردند، محکم به زمین زدند. **«ثُمَّ قَالَ أُفٍّ أُفٍّ لَهُمَا أَنَا لِهَؤُلَاءِ بِإِمَامٍ»**؛ این خیلی مهم است، چون حضرت کلید آن نظام معرفتی شیعه را می‌گویند. **«أَمَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ إِنَّمَا يَقْتُلُ السَّفْيَانِيَّ»**؛ ما از روز اول تا به حال به شما می‌گوییم؛ سفیانی یکی از موضوعات تفصیلی است که اهل‌سنت هم دارند. مفصل در کتب اهل‌سنت آمده است. **«أَنَّى لَهُ التَّوَشُّمُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ**[6]**»**؛ خود اهل‌سنت در تفاسیر قدیم و جدید خود دارند که این آیه مربوط به سفیانی است؛ خسف بیداء.

این روایت اولی بود که از ابان شروع می‌شود. روایت بعدی هم روایت جالبی است. مثلاً در یکی از آن‌ها دارد که حمل حضرت عیسی علیه‌السلام نه ساعت بود ولی در هر ساعتی از آن حمل یک ماه رشد داشتند. یعنی چنین باید نه ماهه باشد اما برای ایشان نه ساعت بود که از «فَتَمَخَّضَهَا بَشَرَا سَوِيّاً[7]» شروع شد. روایاتی که در اینجا از ابان نقل شده جالب است. تا می‌رسد به روایت مانحن فیه.

علی ای حال سند روایت چه شد؟ خود ابان که خوب است. ایشان از اصحاب اجماع است و گمان نمی‌کنم که سید ناظر به او گفته باشد. عمر بن محمد بن زیدی هم که به‌خاطر مدال هایی که حضرت به او

دادند معروف است. حضرت به او مدال دادند و گفتند «ای ابن زیدی والله انت منا اهل البیت[8]»، خودش گفت «انا من آل محمد؟!». این در نقل کشی است. در تفسیر عیاشی دارد و شاید هم منافاتی ندا‌شته باشد؛ «والله انتم منا آل محمد». این تعبیری هم نزدیک است. ولی در نقل آن روایت دارد «انت منا اهل البیت».

اما نسبت به روایات قبل؛ شاید توثیق برخی از رواتِ آن‌ها برای مرحوم سید بحر العلوم ثابت نشده لذا چون توثیق آن‌ها برای مرحوم مجلسی ثابت بوده می‌گویند که روایت موثقه است. مثل دارد «شدید فی الوقف، لکنه ثقه فی النقل». این عبارات را دارند. شاید برخی از آن‌ها در مجموع برای مرحوم سید مجهول شده لذا ایشان فرمودند «ضعیف».

خب حال من شماء رواىت ار بگوىم، ان شاللە براى شنبە.

---

[1] فدکیە

[2] مرآة العقول، ج۲۶،ص۴۸۵؛ الحديث السابع عشر والخمسمائة : موثق.

[3] آلاء الرحمن في تفسير القرآن، ج1، ص: ۱۹۲؛ «في الكافي في الصحيح عن عمر بن يزيد عن الصادق (ع) في ان اليوم يتبع الليلة الماضية ال الآتية قال (ع)...».

[4] الكافي- ط الاسلامية،ج۸،ص۳۳۲

[5] همان، ص۳۳۱

[6] السبأ ۵۲

[7] مریم ۱۷

[8] إختيار معرفة الرجال المعروف بـ رجال الكشي، ج۱،ص۳۳۲

بازبینی #1
ایجاد شدە 14 مە 2026 14:54:12 توسط ... .
بە روزرسانی شدە 14 مە 2026 14:57:31 توسط ... .